

مقدمه



برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد رانسبت به این موضوع، محکم کنیم و این، یعنی نهادینه سازی باورهای درست و فرهنگ سازیدقیق. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار، اثر بخش نخواهدبود.

«یا ایها النبی، قل لازواجک و بنائک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیمّاً؛ ای پیامبر به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو روسری های بلند بر خود بیفکنند، این عمل مناسب تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده ی مهربان است.» . (1) (سوره احزاب، آیه ی 59)

مفهوم حجاب

حجاب، در لغت به معنای مانع و پرده و پوشش آمده است. حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند؛ تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی، ممکن است یک بعد باشد ولی دیگری نباشد که در این صورت، نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام متفاوتی داشته باشد، از جمله حجاب ذهنی، فکری و روحی، علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است، مثل حجاب و پوشش در نگاه که به مردان و زنان، در مواجهه با نامحرم توصیه شده است.

«جلایب» جمع جلباب، به معنای مقنعه ای است که سر و گردن را می پوشاند. (2) و یا پارچه ی بلندی است که تمام بدن و سر و گردن را می پوشاند. (3) مرحوم امین الاسلام طبرسی، در «مجمع البیان»، در ذیل آیه می نویسد، «جلباب» عبارت از روسری بلند است که هنگام خروج از خانه، زنان به وسیله ی آن، سر و صورت خود را می پوشانند ... مقصود این است که با روپوشی که زن بر تن می کند، محل گریبان و گردن را بپوشاند. با توجه به معانی جلباب و از جمله، این معنی که پارچه ی بلندی برای پوشیدن تمام بدن و سر و گردن است، در معنای امروزی، می توان پوشش «چادر» را با «جلباب» همانند و مشابه در نظر گرفت و از آن جا که در این آیه، به طور مشخص به استفاده ی زنان و دختران از جلباب اشاره شده است، می توان نتیجه گرفت که طبق فرموده ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، چادر به عنوان یک حجاب برتر مطرح شده است.

پوشش، معرف شخصیت و عفت زن مؤمن است و موجب می گردد که افراد لاپابالی جرأت نکنند به او جسارت کرده و به دید شهوت و هوسرانی به او بنگرند. این آیه، بیان می دارد: زنان مؤمن برای این که مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه ای خود را بپوشانند که زمینه ای برای بی حرمتی به آنها فراهم نگردد.

خداوند در این فرموده اش، ابتدا فلسفه ی حجاب را تبیین می کند و با تهدید و زور، دستور حجاب را مطرح نمی کند و سپس، به بیان الگوی عملی پوشش، یعنی جلباب که پوشش خاص آن زمان بوده است، اشاره می کند. در اینجا، می توان نتیجه گرفت که برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد را نسبت به این موضوع، محکم کنیم و این، یعنی نهادینه سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار، اثر بخش نخواهد بود.

این آیه، به پیامبر فرموده است که ابتدا، به زنان و دختران خود و بعد، به زنان مؤمن بگو که حجاب را رعایت کنند. یعنی، در امر به معروف، اول از خودی ها و نزدیکان شروع کنیم، سپس به سراغ دیگران برویم. همچنین در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر، با دیگر زنان وجود ندارد. احکام دینی، باید مورد توجه و استفاده ی همه قرار گیرد. (4)

هر پدیده ای، آثار و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. حجاب نیز، به عنوان یک راهکار عملی، آثار فردی و اجتماعی مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

آثار و پیامدهای رعایت حجاب

الف- آثار فردی

در خصوص آثار فردی رعایت حجاب، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1. احترام به شخصیت زن، به واسطه ی رعایت حجاب، 2. مصونیت ارتباطات زن با مردان غریبه، 3. حفظ اعتقادات مذهبی برای افراد، 4. حفظ عفت زن و جلوگیری از فساد و ناهنجاری.

ب - آثار اجتماعی

آثار اجتماعی رعایت حجاب فراوانند که برخی از آنها عبارتند از:

1. سلامت نسل جدید جامعه، 2. پیشگیری از فساد اخلاقی، 3. مبارزه با مظاهر بی دینی، 4. حفظ کیان خانواده. در این نوشتار، آیه ی 59 سوره ی احزاب و نکات پیرامون آن را بررسی کردیم، اما در مورد انواع حجاب، با مطالعه ی کتب تفسیری و آیات قرآنی دیگر، مشخص می شود که انواع حجاب در قرآن، به سه بخش تقسیم شده است.

انواع حجاب قرآنی

1. حجاب چشم

«**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**؛ ای رسول، به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند» . (سوره ی نور، آیه ی 30)

«**قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ**؛ ای رسول، به زنان بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند» . (سوره ی نور، آیه ی 31)

2. حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است.

«**فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ**؛ زنها که نازک و نرم با مردان سخن نگویند، مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد» . (سوره ی احزاب، آیه ی 32)

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند.

«و لا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود». (5) (سوره ی نور، آیه ی 31)

از مجموع این مباحث، به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم، در خلال رفتارهای مختلف آنها، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن، به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

در انتها، این نوشتار را با بیان سخنانی از استاد شهید «مرتضی مطهری» که در تبیین فلسفه ی حجاب در اسلام، تلاش علمی فراوانی داشت، به پایان می رسانیم: «عده ای می گویند: چون حجاب، به معنی پرده است، اسلام خواسته است زن باحجاب باشد، یعنی همواره پشت پرده بوده و در عزلت و گوشه نشینی باشد، اما باید بدانیم آنچه درباره ی پوشش زن است کلمه «ستر» به کار می رود. پوشش زن، در اسلام آن است که در معاشرت با مردان، بدن خود را پوشانده و از جلوه گری، پرهیز کند». (6)

عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها)

روز 21 تیر ماه به مناسبت یادآوری شهادت مروه شروینی در دادگاه آلمان که بیرحمانه به دست یکی از نژاد پرستان آلمانی در دفاع از حق خویش به شهادت رسید؛ روز عفاف و حجاب نام گذاری شد. از این روی مناسب است نگاهی به عفاف و حجاب داشته باشیم.

عفاف و حجاب دو ارزش اخلاقی در جامعه بشری بویژه جوامع اسلامی است که همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته اند. با توجه به معانی ذکر شده، حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد، بویژه زنان را حجاب می گویند. اما «عفاف وحیا»، یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند. «حجاب» در حقیقت همان نمود «عفاف» در نوع پوشش است.

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. براساس زمینه فطری، حتی

جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند.¹ و در همه جوامع و ملل به صورت های گوناگون، کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید.

بر مبنای دستورات اسلام هنگامی که زن پوشیده با وقار باشد و در روابط اجتماعی جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد مغرض، جرات نخواهند کرد تا وی شوند.² بر اساس فطرت و طبیعت انسانی، زنان از ازطرافت، لطافت و جاذبیت های خاصی برخوردار هستند که عمل و رفتار آن هاست. رابه سوی خود جذب کنند.هم چنان که در روایات آمده است: «المرءه ریحانة»³ یعنی «زن هم چون ریحانه یا شاخه گلی، ظریف است»، اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید و دست تعرض گلچین، مصون نمی ماند.

البته با بررسی آیات و روایات در می یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می شود و نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن و مرد وجود ندارد.⁴ اما به علت طبیعت و روحیه زنان، اسلام برای آن که قدر و ارزش زن ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش، زنان را از سهل الوصول بودن مصون داشته و با حجاب محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است.⁵ بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد تا سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه پایدار شود.

عفاف و حجاب در رفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها)

«عفاف و حجاب» در رفتار فاطمه (س) نمود کاملی دارد که با افتخار می توان گفت که در میان زنان جهان حضرت فاطمه ی زهرا (س) بسیار پاکدامن و عفیف بودند و در طول زندگی خویش، در خانه و خانواده و روابط اجتماعی تجسم عینی حیا و عفاف به حساب می آمدند.

حضرت (س) اگرچه نمونه کامل یک زن مسلمان در تمام اوصاف و کمالات اسلامی به ویژه در حجاب و عفاف بود، ولی مسائل سیاسی و اجتماعی را نیز در مواقع حساس نادیده نمی گرفت، و در صورت لزوم در اجتماع حضور می یافت و به مبارزه می پرداخت و حتی در مجامع عمومی و خصوصی به مناظره نشست و به روشنگری پرداخت، ولی در عین حال هرگز از پرده حجاب کامل و عفاف لازم بیرون نرفت.

حضرت زهرا (س) در تمام ابعاد بهترین سرمشق والگوی عملی برای جامعه امروز و فردا است. یعنی جامعه باید وضعیت عفاف و حجاب فاطمه (س) را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و به همان صورت عمل نماید. صدیقه طاهره وقتی وظیفه ایجاب می کند که سخن بگوید، با قاطعیت تمام سخنرانی می کند و آنجا که دیگر داعی ندارد

برای اینکه با نامحرم بنشینند، مجلس را ترک می‌کند مراعات حفظ حریم حجاب به قدری دقیق و ظریف است، که ضروری است برای حفظ امنیت و ارتباطات اجتماعی و سلامت جامعه همگان در این مورد با نظر دقیق بنگرند.

مهمان نوازی فاطمه زهرا(سلام الله علیها)

در دیدگاه اسلام معاشرت های اجتماعی در قالب دوستانه وصله رحم همواره مورد تاکید قرار گرفته است؛ این ارتباط های اجتماعی امری غیر قابل اجتناب است. در سیره فاطمی نوع این ارتباط و رفت و آمدها رامشاهده می کنیم با این تفاوت که حضرت زهرا(س) در معاشرت ها حیا و عفاف را همراه باحباب و پوشش مناسب رعایت می کردند.

مهمان نابینا

حضرت زهرا (س) چنان حیا و عفاف را به عنوان یک این فضیلت ارزشی وکمال گرایانه که مورد خواست و رضایت خداوند است را سرلوحه ی رفتار خویش قرار داده بود که از همه ی نامحرمان حتی از مردان نابینا نیز خود را می پوشاند.

در روایت ها آمده است که مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی(ع) شد. پیامبر(ص) مشاهده کردند که حضرت زهرا(س) برخاست، فرمودند: «دخترم! این مرد نابیناست.» قالت فاطمه(س): إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنْتِ أَرَاهُ وَهُوَ يَشُمُّ الرَّيْحَ؛ پدر، اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم! اگر چه او نمی بیند؛ اما بو را استشمام می کند!»⁷

رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.»⁸

از این حدیث استفاده می شود که دختر عالی قدر رسول خدا تا چه میزانی شرم و حیا داشت و چقدر از مردان بیگانه دوری می جست؟ و تا ضرورتی نبود از کنار مردها نمی گذشت، هرچند تاریخ اذعان دارد که فاطمه (س) در مواقعی که لازم بود به میان جامعه آمده و سخنرانی کرده است. در این حدیث بیان حیا و عاف فاطمی مطرح است که از نظر روانشناسی نوع برخورد و حیا و عفاف حضرت را کاملاً نشان می دهد.

پوشش ساده

درسیره فاطمی عفاف و حجاب، اصل غیر قابل تغییر است. هدف رعایت پوشش مورد نظر اسلام است که با ساده ترین پارچه هم می توان عفاف و حجاب را داشت. در زندگی حضرت زهرا(س) تجمل و تبرج امری مذموم است که در اسلام ترد شده است. فاطمه(س) که دختر پیامبر(ص) و همسر علی(ع) است، می توانست از پارچه های زربفت و حریر، نوع پوشش خود را انتخاب کند؛ اما تاریخ اذعان دارد که فاطمه(س) در نهایت سادگی و خضوع چادری بر سر داشت که شاید زنان دیگر مدینه هرگز چنین پوششی نداشتند.

اما از دیدگاه فاطمی نفس وجود حجاب و حفظ آن در جامعه است که بتواند سرمشقی برای پایین ترین زندگی مردم هم باشد؛ که حجاب و عفاف مخصوص سران یا عامه مردم نیست بلکه همه ی مردم در هر سطحی(فقیر یا ثروتمند) باید آن را رعایت کنند، حتی اگر این چادر، چادری وصله دار باشد.

پوشش زاهدانه حضرت زهرا(س) به این علت بود که با ساده زیستی خود زنان را از غلتیدن در دام تجمل ها و تبرج ها، بازدارند و در مرحله عمل، ارزش ها و منزلت انسان را در تعالی روحی و معنوی اثبات کنند. هم چنان که مقام معظم رهبری در خصوص ساده زیستی زهرا(س) و درس گرفتن از آن فرمودند: «ساده زیستی دختر پیامبر(ص) یک نمونه برای زنان امروز جامعه ما است. ما روحیه مصرف گرایی را کنار بگذاریم و در زندگی به حد لزوم اکتفا کنیم و از افراط بپرهیزیم و آرزوهای حقیر و کوچک را فدای ارزش های بزرگ بکنیم، نمونه کامل آن را در زندگی فاطمه زهرا - سلام الله علیها - می توان در تاریخ مشاهده کرد.»¹¹

در خصوص چادر ساده صدیقه طاهره از سلمان نقل شده است: «روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند، و نه که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های زیبا!!

فاطمه(س) پاسخ داد: قالت: «یا سَلَمَانُ! إِنَّ اللَّهَ ذَخَّرَ لَنَا الثِّيَابَ وَ الْكَرَاسِيَّ لِيَوْمٍ آخِرٍ.»¹²

«ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس های زینتی و تخت های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.»¹³

اصل و تکلیف پوشش در اسلام امری موکد است، در برخی آیات، قرآن زنان را مکلف می کند، جاذبه ها و زینت های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. ¹⁴ آنها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام ها و زینت های پنهان آنها را مستور کند داشته باشند که موجب تهیج شهوت مردان نگردد و موجب آزار و اذیت خود توسط افراد بیمار دل را فراهم نکنند. ¹⁵ کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از

جلوه‌گری، خودنمایی و جلب توجه باشد .

در نظام مقدس اسلام ، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است. با دقت در سیره حضرت زهرا (س) آن اسوه به تمام معنا در می‌یابیم که ایشان آئینه تمام‌نمای حجاب و عفاف اسلامی است و هدف پوشش زن بوده است نه تبرج و خودنمایی بالباس‌های زینتی و...!!

این روایت‌ها بر این نکته تأکید دارد حجاب در اسلام هرگز مانع حضور زنان در عرصه جامعه و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و مانع رشد استعدادهای علمی و توانایی‌های زنان نیست؛ بلکه می‌خواهد این حضور در حریم امن اجتماعی عمل شود و بیان می‌دارد که حجاب احترام و عزت‌آفرینی است. و اعتبار معنوی حضرت زهرا (س) بقدری بود که شمعون یهودی با کمال رضایت و احترام، چادر وصله‌دار حضرت را می‌گیرد و در برابر این عظمت روحی و ایثار حضرت زهرا (س) سر بر سجده می‌گذارد و مسلمان می‌شود.

نتیجه

احکام و دستوراتی که اسلام در سیره معصومین و حضرت زهرا (س) الگوی عملی جوامع قرار داده، همه و همه بیانگر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت به سلامت جامعه و فرد می‌باشد. در روابط اجتماعی عفاف و حجاب رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است و یکی از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی که سرچشمه ارزش‌های دیگر، و موجب آثار درخشان معنوی است، که می‌توان آن‌ها را از پایه‌های اخلاق و صفت کلیدی برای عقب‌زدن رذایل در روابط اجتماعی و سوق‌دهنده به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی زنان و مردان در جامعه دانست.

در بین مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی خانواده، رعایت عفاف و حجاب زنان و مردان، و نحوه ارتباط‌های اجتماعی از مسائل مهمی است که متأسفانه امروز در جوامع با تهاجم و شبیه‌خون فرهنگی مورد غفلت و تسامح و تساهل قرار گرفته است و بنیان خانواده و اجتماع را مورد حمله قرار داده است. وضعیت موجود در روابط اجتماعی و خانوادگی نشان می‌دهد که نوعی انحراف از فطرت زنان و مردان ایجاد شده است که ماحصل آن گامی به سوی بی‌بند و باری و فساد در روابط اجتماعی است.

جهت حل معضلات و مشکلات اجتماعی نیاز به الگوی عملی برای زنان و مردان است که با پیروی از این الگو

وهمانند سازی می توانند مسیرهدایت وسعدت وآرامش را به دست آورند. با توجه به وضعیت عفاف وحجاب در جامعه امروزوآشنایی با سیره فاطمه(س) والگوگیری در گفتار ورفتار ورعایت عفاف در روابط اجتماعی، بسیار ضروری وحیاتی است.

شناخت ومعرفت فاطمی نشان می دهد که درسیره وروش آن حضرت حفظ حجاب وعفاف اصلی مهم است که هرگز مانع فعالیت های اجتماعی نمی شود؛ بلکه بی مبالاتی درحفظ ورعایت عفاف وحجاب و خودنمایی وتبرج و اختلاط بی جادر معاشرت ها ممنوع ومذموم است. واین که حکم عفاف وحجاب برای شناخته شدن زن به عفاف و پاکی و امنیت او از آزارواذیت های اجتماعی الزامی شده است. اسلام می خواهد باتدبیرودرایت زن ومرددر روابط اجتماعی با هم مرتبط باشند تا نگاه انسانی و بستر تکاملی در جامعه فراهم شود وجسم ها در دید قرار نگیرد، بلکه معرفت و انسانیت وارزش هادر معاشرت ها حاکم شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در جلسه درسهایی از قرآن که درباره "حقوق خانواده در اسلام"، "محبت و اعتماد"، "مقدار مهریه"، "اداره و سرپرستی خانواده توسط مردان"، "حکومت مردان در خانواده"، "توجه اسلام به آرایش و آراستگی" و ... سخن گفته است که یکی از آنها آرایش دختران جوان در خانواده و در مواقعی است که اسلام آن را حلال دانسته اما برخی از والدین با عقاید نادرست خود با این قبیل کارهای حلال مخالفت می کنند. آنچه در ادامه می خوانید قسمتهایی از این سخنرانی است.

آرایش دختران

آرایش زن چیست؟ زن ذاتاً دوست دارد آرایش کند. و این جزء ذات زن است. متأسفانه بعضی از این حاج خانم های پیرزن در خانه تا می بیند دخترش آرایش می کند، یا عروسش، (خنده حضار) یک تعبیرات زشتی

می‌کند. خانم! تو پیری؟

خجالت نمی‌کشند، طوری نیست خجالت نکشند. مگر می‌خواهد بیرون برود خودش را نشان جوان‌ها بدهد. خودش را آرایش می‌کند. ما زن داریم دو لیتر گریه می‌کند برای امام حسین(ع). اما اگر بفهمد پسرش با عروسیش یک بستنی خورده کودتا می‌کند. (خنده حضار) روضه هفتگی، ختم انعام، ختم قرآن، همه‌ی دعاها و نمی‌دانم «امن یجیب» مهرش، جانمازش اندازه یک بقچه‌ی حمام است. اما اگر بفهمد که این مثلاً با عروسیش رفته فرض کنید حالا بگردند، دری وری می‌گویند. زن نژادش این است.

شما یاد بگیرید از امیرالمؤمنین(ع)، با غلامش رفتند پیراهن بخرند، پیراهن قشنگ را داد به غلامش، گفت: آقا من قنبر غلام هستم. فرمود: مگر جوان نیستی؟ خوب جوان دوست دارد شیک بپوشد. سر به سر بچه‌ها نگذارید. در آرایش حلال، وقتی به آرایش حلال گیر دادی، آنها سمت آرایش حرام می‌روند. خیلی از گیرهایی که می‌دهند اینها ضررش به خودشان برمی‌گردد.

بعضی از جوان‌ها تا حالا چند مورد آمدند، به من گفتند: حاج آقای قرائتی من به خاطر شما یک سیلی خوردم. گفتم: چرا؟ گفته: من می‌خواستم آن کانال فوتبال ببینم، پدرم گفت: آن کانال قرائتی را ببینیم. من هی زدم فوتبال، او هی زد قرائتی! آخرش یک سیلی به من زد. من از همه اینهایی که از پدرشان یا پدر بزرگشان کتک خوردند، معذرت می‌خواهم.

(خنده حضار) آخر این قرائتی تحمیلی درست نیست. اسلام گفته آزادی، حتی اگر آمدی پشت سر این آقا نماز خواندی، رکعت دوم آزادی! قصد فرادی کن برو. اصلاً نماز مغرب را خواندی، نماز عشا را آزاد هستی، رها کن برو. اسلام به ما آزادی داده است. اگر ما به حلالها قناعت کنیم، همه‌ی مردم مسلمان میشوند. گیر اینکه بعضیها اسلام به آنها سنگین است، در همین نماز جمعه دیروز، نماز جمعه گذشته رفتیم، به ما گفتند: بین دو نماز صحبت کن. گفتم: سخنرانی بین دو نماز گروگان‌گیری است. گفت: فرار می‌کنند. گفتم: خوب فرار کنند. مگر می‌خواهی مردم را اسیر کنی؟ کم حرف بزن، خوب حرف بزنی فرار نمی‌کنند، حالا فرار هم کردند، کردند.

توجه به دستورات دین، نه سلیقه‌های شخصی

ما مثل بت پرست‌ها در بعضی کارها هستیم. بت پرست‌ها با دست خودشون یک بت می‌تراشیدند، راستش گریه می‌کردند. قرآن می‌گوید: «أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ» (صافات/95) با دست خودت سنگ تراشیدی حالا راستش گریه می‌کنی؟ ما هم با دست خودمان آداب و رسوم را درست کردیم، خودمان در آداب و رسوم خودمان ماندیم.

آرایش یک ارزش است. دختر و پسرها در آرایش حلال نباید مزاحم داشته باشند. مثل اینکه یک کسی شوهرش مرده اسلام گفته چهار ماه و ده روز فاصله بگیرد. بعد از چهار ماه و ده روز، قرآن آیه دارد می‌گوید: اگر خانم

خواست عقد کند، کسی حق ندارد جلوی او را بگیرد. آیه قرآن است. متن قرآن است. زن بیوه! خواهند گفت عجب زن بی‌حیایی بود. چه زود شوهر کرد. تو که می‌گویی: فلان زن بی‌حیا است، قطعاً غیبت کردی و گناه کبیره کردی. تو گناه کبیره کردی که گفتی فلانی بی‌حیا است. اما او ثواب کرد. این خانم به هوای... نه خواهند گفت: این به شوهر اولش وفادار نیست. چه کسی گفت: معنای وفا یعنی عقد نکن؟ چه کسی گفت: عقد نکن. زنان بیوه یک چیز غلطی در سرشان است. می‌گویند: من می‌خواهم وفادار باشم. چون می‌خواهد وفادار باشد، ازدواج نمی‌کند. اصلاً قاطی کرده والله نمی‌دانم قاطی کرده، اینها جزء دین نیست. جزء لغت نیست. جزء قرآن نیست. بالاخره حالا من 50 سال است دیگر آخوند هستم. 15 سالگی آخوند شدم. حالا 65 سالم است. بعد از 50 سال آخوندی، 32 سال برای شما حرف می‌زنم.

وفا این نیست که انسان ازدواج نکند. تقوا این نیست که انسان برای شوهرش آرایش نکند. به خانم می‌گوییم: آخر این چه قیافه‌ای است؟

یک مردی در کوچه می‌دوید. گفتند: کجا می‌دوی؟ گفت: می‌روم خانه زنم از عروسی می‌آید، چون تا از عروسی می‌آید، لباس‌های خوبش را کنار می‌گذارد و آشغالهایش را خواهد پوشید. من می‌خواهم یک لحظه‌ای که لباسش را می‌کند، من هم یک نگاهی به این لباس بکنم. خوب این چه، کجایش مثلاً چرا چنین است؟ که مرد باید بدود، آرزو، آه بکشد که یکبار هم... هرچه آرایش دارید «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» (نور/31) آرایش مخصوص زن است. بیرون خانه آرایش نباشد.

حدیث داریم پیغمبر برای خانم‌هایش آرایش می‌کرد. پولی که پیغمبر برای عطر می‌داد بیش از پولی بود که برای غذا می‌داد. زن و شوهر باید چطور باشد؟ قرآن می‌گوید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/187). متن کامل قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

«حجاب» از ارزشمندترین نمادهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن ایرانی - اسلامی است که پیشینه آن به قبل از ورود اسلام می‌رسد، اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود می‌رسد.

حجاب و عفاف پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی به عنوان بستر آن بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است.

بدیهی است که در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند درونی و نهادینه شدن آن در وجود افراد است بدون شک رسیدن به این هدف نیازمند مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است.

سیاست‌ها و راهکارها

- 1- در اولویت قرار دادن موضوع حجاب و عفاف در برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی کشور برای مقابله با روند فزاینده بدحجابی.
- 2- ابلاغ روش‌های اجرایی و تعیین ضوابط و هنجارهای روشن در مورد نوع لباس و پوشش افراد در بخش‌های رسمی و اداری کشور.
- 3- نظارت بر رعایت حریم حجاب و عفاف در سازمان‌های دولتی و عمومی و نظارت و تأکید بر ضرورت رعایت سادگی و پوشش و فرم‌های اسلامی و حضور ساده و بی‌آرایش در محیط کار به دلیل تأثیر منفی بر مراجعان.
- 4- تعریف استانداردهای فرهنگی مناسب برای ترویج فرهنگ عفاف منطبق با فرهنگ دینی و ملی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ترویج الگوهای مناسب پوشش اسلامی توسط نهادهای الگو ده.
- 5- ایجاد مراکز و مؤسسات متعدد با هدف الگوسازی، ارائه مدل‌های مناسب و متنوع و ایجاد رقابت سالم در زمینه بین افراد.
- 6- وضع قوانین و مقررات لازم برای اصلاح وضعیت پوشش در جامعه.
- 7- گسترش و تقویت مراجع قانونی برای ترویج پوشش اسلامی در جامعه.
- 8- اصالت بخشی به فرهنگ عفاف از طریق محصولات متنوع فرهنگی، هنری متناسب.
- 9- رعایت حجاب و حفظ شئون اسلامی از سوی مدیران، مسئولان حکومتی و خانواده‌های آنان و تدوین شاخص‌هایی در این زمینه برای گزینش مدیران.
- 10- رفع اشکالات قانونی در نحوه تولید، توزیع و عرضه پوشاک داخلی و خارجی.
- 11- پیگیری نحوه اجرای طرح گسترش فرهنگ عفاف به صورت مستمر در جلسات شورای فرهنگ عمومی استان‌ها و ارائه گزارش‌های منظم به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس کمیته).
- 12- ارزیابی دقیق از اجرای طرح‌ها توسط دستگاه‌های فرهنگی، انتظامی و قضایی برای مقابله با مظاهر بدحجابی و یافتن راهکارهای مناسب توسط کمیته توسعه و ترویج فرهنگ عفاف.
- 13- نظارت و ارزیابی عملکرد رسانه‌ها - خصوصاً صدا و سیما - در ارتباط با الگوهای تبلیغی آنها و تأثیر آن در جامعه.
- 14- احیاء سنت حسنه «امر به معروف و نهی از منکر» درمورد حجاب و عفاف.
- 15- فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تهیه کتب، نشریات و تولیدات علمی - فرهنگی به منظور ترویج فرهنگ عفاف و پاسخگویی به شبهات موجود در مورد آن.
- 16- انجام سیاست‌های تشویقی درباره مدیران و کارگزارانی که در محیط کار خود اصول عفاف و پوشش اسلامی را رعایت می‌کنند.

